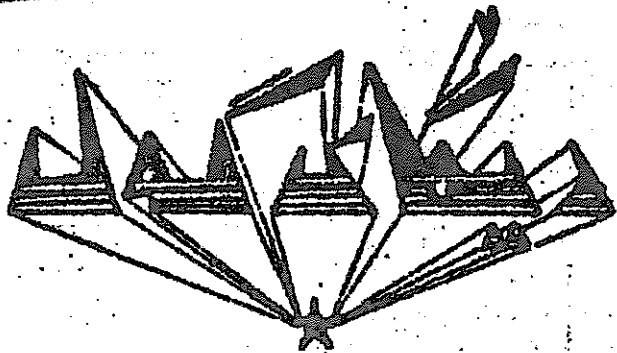




سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - شاخه کردستان

۲۸ منته

خرداد ماه ۱۳۶۲

دوره جدید شماره ۷

تأیید نیروهای سرکوبگر در هم گوبیده شد

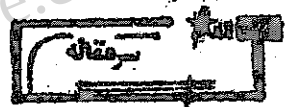
در شماره ۵

سبک کارگوبه له
 برای تشکیل حزب کمونیست!



کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

نیوهای سرکوبگر سازمان چریکهای
 فدائی خلق ایران به رفقای کمونیستی
 سازمان انقلابی زخمیشان کردستان
 ایران (کوبه له) و اتحاد مبارزان کمونیست
 و اطلاعات سازمانهای مستعدای مخفی
 مقاومت سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
 و کردستان عزیزین و زندگی مبارزه



اعتصابات سوازی مردم کردستان
 تأییدی بر ضرورت اتحاد عمل نیروهای
 انقلابی

کردستان این سنگرمقاومت ساخته
 مبارزه انقلابی با استوار و سرسختی
 نام تمام در برابر رژیم ارتجاعی
 جمهوری اسلامی استاداست و خلق
 قهرمان کردی بیگانه به نبرد بی اما
 و حماسی خود علیه رژیم تبهکار حاکم
 بر این رای که نیرو و تجهیزات نظامی
 عظیمی را برای سرکوب جنبش بسیج
 کرده است ادامه میدهد و حماسه
 منته ۶

پرویز باد مبارزات خلق نهرمان کرد در راه آزادی و خودمختاری

اعتصابات سراسری مردم کردستان تأییدی بر اتحاد عمل نیروهای انقلابی

مبارزه در سرزمین وسیعی به ابعاد سراسر کردستان ادامه دارد. اما مبارزه تنها محدود به شکل مسلحانه آن نشده است. بنا به شرایط مختلف تودمهای زحمتکش کرد با اشغال گوناگون مبارزه می کنند. اعتصاب عمومی اخیر در شهرهای کردستان که در اعتراض به جنایات رژیم و اعدام دستجمعی بهترین فرزندان انقلابی خلق صورت گرفت، نقطه عطفی در مبارزه انقلابی خلق کرد محسوب می شود و از جهات مختلف دارای اهمیت است. اولاً توده های سراسر کردستان با این اعتصاب یکبار دیگر چون تنگی واحد عزم جزم خود را بتداوم مبارزه علیه رژیم اعلام نمودند. خلق کرد با توسل به اعتصاب عمومی که سراسر شهرها، کردستان را فرا گرفت، ششست و بیست و اعتباری تمام یاوه سرائی ها و ادعاهای دوج و دروغین رژیم را در زمینه سرکسب جنبش پنهانیش گذاشت، و نشان داد که رژیم حتی در مناطقی که بزور نیروی نظامی آنها را تحت اشغال خود درآورده

مقاومت و مبارزه تودمهای زحمتکش کردستان تحسین و اعجاب تمام تودمهای زحمتکش سراسر ایران و جهان را برانگیخته است. چرا که تودم عریان و سرکوب نظامی و رژیم نتوانسته است ذره ای در عزم استوار خلقی که برای رهائی آنها خاسته است خللی ایجاد کند. اما با لعکس رژیم طی رقم تمام نیرو امکانات و تجهیزات نظامی که برای سرکوب خلق کرد پخته شده است، به گشت هر روز ناتوانی و درماندگی خود را بیشتر نشان می دهد. هرچند بزور نیروی نظامی مناطقی را با اشغال خود در می آورد، بیشتر در محاصره خلق و پیشمرگان قهرمان آن قرار میگیرد. احساس امنیت برای او نه در شهرها و یا در روستاهای کردستان وجود ندارد. ضربات بی دریغی پیشمرگان در شهرها و روستاهای کردستان به نیروهای مزدور رژیم مؤید این واقعیت است. مبارزه مسلحانه به مثابه شکل صده

است هیچ پایگاهی در میان مردم ندارد و نتوانسته است مانعی بر سر راه مبارزه انقلابی تود مها ایجاد کند .

ثانیا این حرکت انقلابی توده های خلق کرد بیانگر درك این واقعیت بود كه تنها با اعتراض وسیع تودهای میتوان رژیم را بعقب نشیمنی واداشت . تجربه دو سال گذشته در سراسر ایران كه توام با اقدامهای دستجمعی از سوی رژیم بوده است بخلق كرد آموخت كه هنگاميكه رژیم دست با اقدامهای دسته جمعی میزند ، چنانچه این اقدام چنان بیكارانه رژیم متجربه يك اعتراض وسیع تودهای نکرد ، رژیم دهها و صدها بار بر تعداد اقدامها خواهد افزود . از این رو تودهای خلق كرد پی برده اند كه تنها با اعتراض عینی ، بسا مبارزه سرسختانه و با نشان دادن همبستگی خود با فرزندان انقلابی شان قادرند مانعی بر سر راه وحشیگریهای رژیم ایجاد کنند . بدین لحاظ احصای عمومی اخیر يك اقدام پیروزمند و موفقی بود . ثالثا این اعتصاب از جنبه دیگر

نیز حائز اهمیت بود ، در این اعتصاب اهمیت و ضرورت اتحاد عمل نیروهای انقلابی به منظور مقابله با رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی نشان داد شد . پاسخ مثبت تودهای مردم كردستان به درخواست مشترك حزب دمكرات كردستان ایران و سازمان انقلابی زحمتكشان كردستان ایران (گومله) كه در اطلاعیه مشترك این دو سازمان متجلی شد ، در زمینههایی يك اعتصاب عمومی سیاسی در اعتراض به اعدام دستجمعی فرزندان انقلابی خلق كرد نه تنها بیانگر خواست و تمایل خلق كرد با اتحاد عمل نیروهای سیاسی انقلاب برای مقابله با رژیم محسوب میگردد ، بلكه نشان داد كه برای پیروزی بر رژیم این اتحاد عمل يك ضرورت عینی محسوب میگردد . آنها بعینه نتایج علی اتحاد عمل و ضرورت آنرا دریافتند . این پیروزی نشان داد كه در برابر اتحاد نیروهای خلقی و سازمانهای سیاسی انقلابی ، رژیم قادر بمقاومت نیست . واگر در گذشته

سه ركه قومی بزونه وهی شورسگیزانهی گه لی گورد

اعتصابات سراسری

رژیم تا حدودی توانسته است پیروزیهای نظامی بدست آورد، این امر پیش از آنکه محصول قدرت و توان او باشد، از هرآنکه بی و تفرقه نیروها و فقدان یک استراتژی و رهبری واحد ناشی شده است.

واقعیت اینست که تاکنون حزب دمکرات کردستان و کمیته گامهای جدی در جهت اتحاد مبارزاتی طیف رژیم بردها

شماره ۰ بدیسی است اتحاد عملهای مقطعی و تدوم ناپذیر بهیچوجه نمیتواند در سرنوشت خلق کرد نقش موثری ایفا نماید.

امروز توده های خلق کرد با اعتصاب سراسری و یکپارچه خود نشان دادند که از اتحاد عمل نیروهای انقلابی برای مقابله با رژیم استقبال میکنند. اکنون با تجربه آموختن از اعتصابات عمری اخیر وظایف سازمانهای سیاسی انقلابی است که با گسترش تداوم بخشیدن به

اتحاد عمل در مبارزه طیف رژیم جمهوری اسلامی ضربات جدی بر پیکر فرتوت و رو بزال جمهوری اسلامی وارد آورند. تجربیات امروز جنبش انقلابی خلق کرد نشان میدهد که شرط لازم برای تداوم بخشیدن به این اتحاد عمل، همانا ایجاد رهبری متمرکز و اتخاذ یک استراتژی واحد جنگی است که بتواند سازماندهی جنگ مقاومت را حول یک برنامه عمل معین تحقق بخشد و کلیه نیروهای ذخیره جنبش را بحرکت درآورد.

تلفیق به موقع اشکال گوناگون مبارزه و پیوند عملی جنگ مقاومت با اعتصاب گسترده توده های روستا و شهرها ی کردستان، بخشی از این برنامه عمل است که میتواند گام موثری در تعمیق هرچه بیشتر جنبش انقلابی خلق کرد بحساب آید. اعتصابات سراسری مردم کردستان حرکت جدیدی بود که نمونه ای از این قدرت عظیم را بنمایش گذاشت.

زندانیان سیاسی آزاد باید گردد. شکنجه ترور زندانیان نابود باید گردد.

تهاجم نیروهای سرکوبگر در هم کوبیده شد

ساعت ۵/۳۰ پامداد روز ۲۵ خرداد ماه جاری ستونی مرکب از نیروهای سرکوبگر رژیم بقصد تصرف روستاهای گولولان (سقلی و طبا) از پایگسسه ترجان به حرکت در میاید. در ساعت پامداد به کپت پیشمرگان سازمان انقلابی زندگشان ایران (کوله) میافند. یک دسته دیگر از پیشمرگان کوله از منبع جنوبی نبرد نیروهای رژیم را مورد حمله قرار میدهند. پیشمرگان حزب دیمکرات نیز با شروع درگیری به یاری پیشمرگان کوله میروند و نبردی سخت آغاز میگردد. به محض اطلاع اردوگیری پیشمرگان کوله و حزب دیمکرات با مزدور جمهوری اسلامی یک دسته از پیشمرگان قهرمان فدائی در اسرع وقت خود را به محل درگیری رسانیده و دوشاد و شری پیشمرگان کوله و حزب تهاجم گستردهای را به نیروهای سرسپرده رژیم آغاز مینمایند. آتش تخته خانه و خمپاره دشمن به طرز وحشیانه ای شروع میگردد و دشمن که

متحمل تلفات سنگینی میگردد ناگزیر به عقب نشینی میبوید ولی فرزند آن دلاور خلق کرد مجال قرار به آنها را قید کند و حامیان سرما به راه که در حال فسرار بودند ناقلگیر مینمایند و در تمامی نبردها ابتکار عمل در دست پیشمرگان قهرمان بود و دشمن را یاری هیچگونه عسار عملی با پیشمرگان نبود و ناگزیر به استمداد از پایگاههای اطراف شد. ۳ خلیکوتر مجهز به توپ و راکت به یاری مزدوران می آید و مواضع پیشمرگان را حدود ۵۰۰ قیقه به راکت و تالیمیر ۷ می بندد اما نه خلیکوترها و نه نیروها ککی در اراده فرزند آن خلق غلبه دارد نیاید و دشمن مریوحانه فرار را بر قرار ترجیح داد.

در این عملیات مشهورانه فنام زیر توسط پیشمرگان قهرمان فدائی ضا دره انقلابی گردید: ۱- تلفات ۲۰۰ در قیقه ۱- نارنجک دستی ۱ عدد ۲- نارنجک سر ۲۰۰ یک عدد

نابود باد امیرالیم جهانی سرکردگی امیرالیم آمریکایان و اشرار

در جریان ملیات دو تن از مسزدران
توسط رفقای سازمان با باسارت
آمدند و از آنجا که نقش مهمی در
شهادت سه تن از پیشمرگان داشتند
اعداد انقلابی گردیدند.
رفقای کومله نیز ۷ تن از مسزدران
را با باسارت گرفتند و یک تن از جاسوسهای
معروف را به کفر جنایات شریک کردند.

نیا هم جسد را نه ده

آنها را آماج گلوله‌های آتشین خود قرار
میدهند. این پیش‌فکرانه مسزدران
را مجبور به دفاع مینماید. اما یکدیگر
شده بود چهارتن از مسزدران به
هلاکت رسید و تعداد زیادی زخمی
و آه و ناله و ججه‌هایشان زوضی خود
را هر چه پیشتر به نایب‌گرا اشتند. بقیه
افراد پایگاه به سوراخهای خود خزیدند
و شروع به خیمه‌پارایی کردند.
خوشبختانه هیچ‌گونه آسیبی به رفقای
پیشمرگ وارد نیامد و رفقای پاروچهای عالی
و نظم انقلابی طب نخشینی نمودند.

خواب ۲ با ۱۱۰ قمر قشنگ ۸ مخزن
و مقداری وسایل نظامی دیگر
پیشمرگان کومله نیز قنایم مشروجه زیر
مبارزه انقلابی نمودند.

- ۱- اتوبیل توپوتا ۲ دستگاه
- ۲- اتوبیل رنجروور یک دستگاه
- ۳- قاشه ۲ قبضه ۱- تفنگ ۲
- ۴- قبضه ۵- تفنگ کلاشینکف ۶ قبضه
- ۶- خمپاره انداز ۶۰ میلیتری یک قبضه
- ۷- بی سیم کومله پستی یک دستگاه و
مقداری مخابرات و وسایل نظامی.
- یک قبضه تفنگ ۲ نیز توسط پیشمرگان
حزب دموکرات به غنیمت گرفته شد.
- طی این درگیری نابرابر ۱ تن از
رفقای کومله و یک پیشمرگ حزب دموکرات
کردستان ایران متأسفانه به شهادت
رسیدند.
- سازمان با ضمن تسلیم به خائنانه
شهادت و پیشمرگان کومله و حزب دموکرات
پاروچهای هر چه پیشتری را در رایسن
پره از تاریخ مبارزات خلق قهرمان کرد
برای کلیه نیروهای رزنده خلق قهرمان
کرد خواستار است.

گرانی باد خاطر شهیدای بخون خفته خلق

سیکله کار و مدل

برای تشکیل حزب کمونیست
چندی پیش سازمان انقلابی در محکمان
کردستان ایران (کوله) سازمانی
گروهها و محافل حزب ایران را برای
بحث و نظر خواهی پیرامون مسائل
تشکیل حزب کمونیست ایران دعوت
نموده است. ما پیش از این دیدگاه
خود را نسبت به برنامه حزب کمونیست
مورد نظر کوله مشخص نموده و تحت
عنوان "کارکاتور برنامه حزب کمونیست"
منتشر کردیم. از این رو در اینجا
فقط به اشاره مختصری از شیوه حزب -
سازی "کوله که قطعاً نمی تواند جدا
از دیدگاه و گرایش خاصی این جریان
باشد اکتفا می کنیم.

آنچه مهمتر از همه و مقدم بر هر
چیز در این دعوتنامه به چشم میخورد
ترکیب نیروها و ضوابطی است که برای
گرایشات و ایدئولوژی اساساً متفاوت به
این بحث دعوت شده اند. هم تجانس
و ناهمگونی این نیروها، خود گویای
حقایق بسیار با اهمیتی است که بی -
توجهی به آن نه میتواند عماد فی باشد
و نه به حساب تعالیات چرمانه و
فشارده کوله برای تأسیس حزب -
با اصطلاح کمونیست ایران گذاشته شود.

امروز دیگر بر هیچکس پوشیده نیست
که جنبش کمونیستی ایران خصلت خرد،
کاری و پراکندگی خود را پشت سر
گذاشته و گدازه یک شکل دالینس
و حدت یافته تر و سازمان یافته تر
ضرورت تاریخی غیر قابل تردیدی تبدیل
شده است. رشد مبارزه طبقاتی و صف
پندی های آشکار سیاسی طبقات جامعه
مسئله تأسیس حزب کمونیست ایران را -
قویاً اجتنابناپذیر ساخته است. اما
مسئله اساسی اونست که در رابطه با این
حزب با چه نیرویی، حول کدام برنامه
و چگونه بر پا میشود و با چه پشتوانهای
ادامه کاری آن تضمین مییابد؟ لنین فر
جریان تلاش برای تأسیس حزب کارگر
سوسیال دمکرات روسیه همواره تأکید
میکند "ایجاد و تحکیم حزب یعنی ایجاد
و تحکیم وحدت همه سوسیال دمکراتها
روسیه" او همچنین بر این اعتقاد بود
که چنین وحدتی نمیتواند صرفاً اصلاح
شود و یا با تصویب نامه مجمعی از
نمایندگان برقرار گردد. لذا مقدم از
همه باید ادبیات سیاسی مشترکی در
سطح کل جنبش وجود آورد. بایستد
این ادبیات سیاسی اولاً با این با آن
منطقه محدود نشده بلکه در خدمت

کل جنبش قرار بگیرد و بجای بررسی مسائل صرفاً منطقه‌ای جنبش را در مجموعه آن بررسی کند و پروتکل‌های آگاه را در مبارزاتشان جاری رساند .

افزافه بر این ، این ادبیات سیاسی مشترک می‌باید همه انرژی‌ها را متمرکز نموده و در کلیه اختلافات جزئی در افکار و دیدگاه‌های موجود میان این نیروها را که با برنامه مشترک و طی یک مبارزه مشترک در یک سازمان واحد ... مشکل شد مانده ، منمکن سازد . (۱)

حال برای اینکه ببینیم رهنمودهای داهیانه لنین تا چه اندازه مسرود پذیرش "گوله" قرار گرفته است کافی است فقط نگاه کوتاهی به اساسی سازمان‌ها و محافل که توسط گوله دسوت شده‌اند بیاندازیم تا به صدق این تقاو می‌پیروم . اگر برای بعضی از شنوندگان ساد مانند پیشگوله هنوز این توهم وجود داشته باشد که منظور از این اقدام با اصطلاح دکرانیک گوله بدعت

لنین ، طرح بیانیه هیات تحریریه استکرا و زاربا نقل بمعنی

مجموعه در هم و برهمی از نیروها و محافل سیاسی به این بحث افسار دهد و لولونیک حول اختلافات جزئی و حصول به یک ادبیات سیاسی مشترک بود داستان لاقل برای خود گوله باید از همه روشتر باشد که صحبت کردن آزاد بیات سیاسی مشترک در یک مدت زمان کوتاه و آنهم در میان نیروهای با گرایشات و عقاید اساساً متفاوت و اختلافات نسبه جزئی بلکه عیناً اساسی ، عبارت‌پردازی بدیع و سلیبانه‌ای است که اگر بخواهیم خوشبینانه بآن نگاه کنیم ، باید بگوئیم تنها از ذهن آدم‌های کودن و ساد و اندیشی که لاقل از تجربیات اخیر جنبش کمونیستی ایران و هیچ بررسی نگرفتند تراوش میکند .

گوله حداقل امروز باید خود دانسته باشد که بدون وحدت ایدئولوژیک و اشتراك نظر در خطوط اساسی برنامه حقوق سخنی هم از وحدت جزئی نمیتواند در میان باشد . گوله حتماً باین گفته لنین نیز توجه دارد که می‌گوید : "برنامه باید بسط داده شود و مکرراتها برسمیت شناخته شده و پیشنهادات -

کمیته‌های مخفی مقاومت را در هر شهر و روستا ایجاد کنیم

اساسی آن موجب هیچ انتقادی قرار نگرفت. امروز دیگر نه فقط کومه که حتی عقبانده ترین محافل روشنفکری جامعه ما میدانند که بین دیدگاهها نظرات و اهداف سازمانها و گروههایی مانند سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، راه کارگرو ۱۰۰۰ یا محافل سوسیال شونیستی نظیر رنجبران و طوفان و سپند و اتحادیه کمونیستها و ... دنیایی فاصله و شکاف وجود دارد پس خیلی طبیعی خواهد بود که - پیشاپیش پابین نتیجه برسیم که کومه خود از قبل به ایدئولوژی و ادبیات سیاسی مشترک و وحدت نظر کامل با جریانات خرده ریز بورژوائی و خرده بورژوائی از نوع سپند و طوفان و رنجبران و ... دست یافته و امروز با دعوت صومسی خویش قندی جز حیثیت بخشیدن به دار و دسته اخیر ندارد. هر چند که ما معتقدیم این اتحاد نیز همانند اتحادهای کاغذی گذشته سرنوشتی

کلیات آثار جلد ۱۰ صفحه ۲۸ متن انگلیسی (تاکید از ماست)

جز "کنفرانس وحدت" و دیگر تلاشها "وحدت طلبانه" و بدون محتوا که تا کنون چندین بار داینکیر خود کومه شده بوده نخواهد داشت.

اینبار "سپند" و "اتحادیه کمونیستها" و "پیکار کمونیست" و "رنجبران" - همانجائی قدم میگذارند که قبلاً خود "پیکار" و "رزمندگان" و دیگران قدم گذاشته بودند، منتها با این تفاوت که جنبش طبقه کارگر ایران یک دوران پر تلاطم و پر تلاشی را پشت سر گذاشته است و توده های مردم و پیشاپیش آنها طبقه کارگر ایران بدان حد از آگاهی دست یافته اند که هر گرایش انحرافی را هر قدر هم از زور و پیچیده شده باشد بشناسند و از یکدیگر تمیز دهند. امروز سپند اگر چه تشکیلات کومه را از هر نظر تسخیر ایدئولوژیک نموده و ایمن جریان دهقانی را مقهور اندیشه های بورژوا - رفرمیستی خود ساخته است اما در واقع سرنا را از سر کشاد ثر جلوی کومه گرفته است.

پیشاپیش بوی تشکیل حزب طبقه کارگر

بیک راه برود . اما کوبله نمیتواند بر این نیروی دهقانی خود نسخه سپند را - بپوشد ، مگر آنکه راه رفتن خود شر را نب - فراموش کند . وقتی وظایف یک حزب - بر دلتاریائی سراسری که بقول لنین با حفظ ارتباط میان کلیه مراکز جنبش را برده بگیرد ، با وسیعترین توده مردم که در نیت اول با توده پرولتاریا ارتباط برقرار سازد و با نصب اطلاعات وسیع و بموقع جنبش سراسری پروتاریا را رهبر نماید ، به یک سازمان محدود دهقان محول میشود ، نمی توان انتظار داشت که چنین سازمانی وظایف اساسی و اولیه خود شر را نیز فراموش نکند ، بپوشد - نیست که کوبله همچون یک سازم - منطقه در گردستان ، از وظایف نظامی خویش باز بماند و نقش واقعی خود را در جنبش انقلابی خلق متناسب با توان و ظرفیت نظامی اش از دست بدهد - کوبله بجای شرکت افعال در جنب - انقلابی خلق گردد ، اتخاذ امتیازاتی تاکتیکی های هدفمند و قابل هضم بر آن زمینستان " کردستان ، با شور و شمع و صف ناپذیر از تقبیح " سبک کسب - بپولیسستی تبلیغ " شهپور " انقلاب فرانکی " دیگری را سر داده و زیر

" بپولیسیم " و سبک کار بپولیسستی که در سالهای اخیر بعنوان سبک انحراف اساسی در جنبش کمونیستی ایران به نقد کشیده شده و از مسبق افتاده بود ، امروز در محدود و سخن به عنوان کشفی جدید با هزاران آهنگ توسط " سپند " تکرار میشود ، ولی در حیطه عمل و تلاش حزبماری سپند و کوبله از جایگاه تئوریک خود دور می افتد و دوباره جان تازه ای میگیرد . مسخرتر از این چیزی نیست که " مدعیان " پیگیر " و پرو و پا قرم " نقد " سبک کار بپولیسستی " در عمل به " بپولیسیم " ناسمجی غلطند و نقش و جایگاه پرولتاریای رزمنده را بسا جایگاه جنبش ملی خلق کرد مخوش - میکنند . نقد " سبک کار بپولیسستی " - سپند نه تنها نمیتواند مسائل سازمانی کوبله را بعنوان نمایند و یک چریسان منطقه ای دهقانی با پایگاه نسبتاً توده ای اش حل کند ، بلکه آنرا در غرق سبک بپولیسیم بیشتر غوطه ور میسازد . اگر کوبله نیز همانند سپند سبک محفل " صرفاً " روشنفکری بود ، شاید میتوانست در دوره کوتاه و معینی بسا ادا و اصول روشنفکری صورت خود را سرخ نگهدارد و دلخوش باشد باینکه بشیره

شمار "چه کسانی گفتند تود ما - نمی فهمند" و "چه کسانی از اشاعه علمی کمونیسم میترسند" به شیوه خودش به تبلیغ کمونیسم پرداخته و تبلیغین خود را به خطابیهای "آتشین" در مورد مفاهیم عام "استعمار" و "سرمایه داری" "پرولتاریا"، "کمونیسم" و ... به میان دهقانان فرستاده است. شکسی نیست که هر گز نه آموزش عام و آگاه گرایانه تود می تواند در همه شرایط و در هر سطحی مفید و مؤثر باشد. اما برای اجتناب از هرگونه "خرد نگاری" باید ببینیم این برنامه چه نقشی دارد و چه وظایف هدفمندی را دنبال میکند؟ ما اصل را بر این می گذاریم که کوله به مفهوم این نظر لنین که میگوید: "برنامه" که باید الهام بخش ارکانهای ما باشد خود بخود از ماهیت وظایفی که برای خود قائلیم ناشی میشود. کاملاً واقف است: پس وقتی کوله بعنوان پسرک سازمان منطقه ای دهقانی وظیفه تشکیل حزب کمونیست ایران را بدوش میگیرد باین نتیجه میرسیم که این برنامه تبلیغی

نمی تواند صرفاً نقش آگاه گرایانه عمومی را برای کوله بازی کند. این اقدام کوله یعنی دست یازیدن به تبلیغ "سبک کار پرولتاریائی" چیستی نیست جز همانا پروتیزه کردن "گام به گام" دهقانان و جایگزین نمودن آنها بجای طبقه کارگر در ارکان حزب کمونیست آینده او. در حقیقت این دهقانان - مبهوت و هاج و واج شده در مقابل افاضا دانشمندان کوله هستند که می بایست خلاه گردان عظیم پرولتاریا در حزب مورد ادعای کوله پر کنند و رسالت تاریخی طبقه کارگر ایران را بدوش بگیرند. آری! دهقانان را میتوان و باید اصلاً کرد و به شیوه نوین تربیت نمود. ولی نه با تبلیغ تئوریک و آموزش عمومی بلکه همانطور که لنین تأکید میکند: "فقط ضمن یک کار سازمانی طولانی و بیطبی با احتیاط و در یک سازمان پرولتاریائی در غیر این صورت آنها دائماً در بین پرولتاریا موجب گسست عنصری خرد - بورژوائی از هم باشید کی و انفراد منشور می شوند و شور او را بدل به یأس میکنند" (پتیه در صفحه ۲۳ -

باورهای مالی خود، سازمان هر یکهای مالی طبق ایران را امر انقلاب یاری رسانید!

پاسخ کمیته مرکزی سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران به رزق‌های سازمان
انقلابی از جنگ‌های ایران (گوریل) و اتحاد مبارزان کمونیست
رفقا! شما طی نامه‌ای نظر سازمان
ما را راجع به برنامه‌ای که تحت عنوان
برنامه حزب کمونیست منتشر کرد باید
پرسیده بودید. ما طی این نامه
مختصراً به شما پاسخ می‌دهیم.
تردید نیست که امروزه جنبش‌زین
کمونیستی ایران در سیر تکاملی خوبی
مرحله‌ای رسیده است که امر تشکیل
حزب کمونیست ایران به نفع امری مبهم
در دستور کار کلیه مارکسیست‌لنینیست
ها قرار گرفته است. شرایط عینی و
ذهنی جنبش بطور مداوم این نیاز به
تشکیل حزب مستقل سیاسی طبقه‌کارگر
را تقویت میکند. امروزه دیگر دوران
گروه محفل‌ها و اشکال زندگی ما قبل
حزبی دوران فعالیت‌های پراکنده به
سرعت سپری میگردد. دوران نویی در
حال فرا رسیدن است که خصوصیت آن
وحدت بخشیدن به فعالیت کمونیست‌ها
متحد کردن تشکیلات و گذار به اشکال
زندگی حزبی است.
ما عیفاً معتقدیم که نخستین گام
صلی در این جهت دست‌یابی به یک
برنامه حزبی یعنی یک برنامه واحد

برنامه حقیقاً هرولتری، برنامه‌ای که
شایستگی نام برنامه حزب کمونیست را
داشته باشد محصول هروساست که پسند
بند آن در کوران یک مبارزه تئوریک
حاد تدوین شده باشد و اکثریت
مارکسیست-لنینیست‌های ایران به
صحت و درستی آن ایمان داشته باشند
و حول آن جمع شوند. حال آیا آنچه
که شما تحت عنوان برنامه حزب کمونیست
منتشر کرد باید در چنین روندی تدوین
شده و از جهت مضمون شایسته نام برنامه
حزب کمونیست می‌باشد؟ خیر
چرا که اولاً این برنامه در کلیت خود
یک برنامه بورژوا-رفرمیستی است که
هدف آن حفظ و تحکیم شالوده‌های نظم
بورژوائی موجود است و ثانیاً نه حاصل
یک مبارزه ایدئولوژیک بلکه محصول ذهنی
تفکرات تعدادی روشن‌فکر است. بهینیم
که یک برنامه حزب کمونیست چگونه
برنامه‌یست؟ یک برنامه حزبی قبل از هر
چیز از یک بخش تئوریک و عصبی تشکیل
شده است که تمام نتیجه‌گیری‌های بعدی
از آن منتج می‌گردند. از این رو این

بخش مهم‌ترین و دقیق‌ترین بخش برنامه است در این بخش می‌باید نظام اقتصادی موجود جامعه و روند تکاملی آن مورد بررسی قرار گیرد و جوهر مشخصه و ویژگی‌های اساسی نظام اقتصادی مشخص گردد. از این‌رو در برنامه حزب کمونیست ایران باید سرمایه‌داری ایران بطور مشخص و نه سرمایه‌داری بطور کلی مورد بررسی قرار گیرد. نحوه فرمولبندی باید به گونه‌ای باشد که تکامل تدوینی سرمایه‌داری در ایران و همراه با آن سلطه امپریالیسم وابستگی اقتصادی و تضادها و مصائب ناشی از این سرمایه‌داری آشکارا بیان گردد. اما در برنامه‌ای که شما ارائه داداید چیزی که وجود ندارد سرمایه‌داری ایران بطور مشخص و ادعا علیه آن است. در نتیجه این بخش یکی انتزاعی است و نتیجه‌گیری‌های آن نیز بیش از آنکه بسا زندگی واقعی سرکار داشته باشند تراوش مغز محسوب می‌شوند. شما از برنامه حزب سوسیال دمکرات کارگری روسیه بند هائی را اقتباس کرداید که به هیچ وجه با شرایط اجتماعی اقتصادی ایران مطابقت ندارد. استفاده از برنامه‌های معتبر حتی ذکر بند هائی به

عینه از این برنامه‌ها در صورتی مجاز است که با شرایط مشخص جامعه ما همخوانی داشته باشد و شما این امر را نادیده گرفتاید. در بخشی که مربوط به وظیفه سیاسی قوری و رابطه طبقه کارگر با طبقات دیگر استکمالیت بورژوا فرمستی برنامه شما یکی بر ملا شد است. در برنامه شما درمائی ظرف میان دو مرحله انقلاب ترسیم شده است. در حالیکه در برنامه حقیقتاً هرولتری هموستکی این دو مرحله انقلاب باید آشکارا بیان شود. این واقعیتی است که انقلاب دمکراتیک ایران بدون گذارن سوسیالیسم و بدون اینکه یک مرحله گذار سوسیالیسم باشد با شکست قطعی روبرو خواهد شد. دیدگاه انحرافی شما در این مورد باعث شده است که شما از تصریح بر ضرورت استقرار دیکتاتوری انقلابی کارگران و دهقانان سر باز زنید. در بخش مربوط به مطالبات مشخص ماهیت برنامه شما بیشتر افشاء می‌گردد. جمهوری دمکراتیک انقلابی ادعائی شما کاملاً بوروکراتیک است و ابتکار عمل از توده مردم سلب شده است. تنها به مسئله کنترل کارگری اشاره کنیم. این کنترل بدون الخاء اسرار یازدگانی، بدون

سوسیالیستی، جنبش جهانی کمونیستی و تهدید کردن جنبش‌های پیش‌تر خلقها و ملت‌های تحت ستم به ذخیره امپریالیستی اساساً عصر انقلابات پرولتری را انکار کرده‌اند و بدین‌طریق ماهیت پرورزوانی برنامه را افشاء نموده‌اند. از نظر شکل نیز برنامه شما یک برنامه پرولتری محسوب نمی‌گردد. چرا که یک برنامه پرولتری باید شامل ترهای کوتاه بدون کلمات زائد باشد. باید بی‌چون و چرا مسجل باشد. برنامه باید کوتاه و قابل فهم و زبان آن قاطع و روشن باشد. در حالیکه برنامه‌ای که شما ارائه دادید نه کوتاه، نه قابل فهم، نه قاطع و نه روشن است. به عبارتی در اکثر موارد بجای برنامه تفسیر برنامه آمده است. مسلماً چنین برنامه‌ای که از حیث مضمون برنامه اصلاحات پرورزوانی است و از حیث شکل نیز از مضمون خود تبعیت نمود، است نه برنامه پرولتری است و نمیتواند مبنایی برای تشکیل حزب کمونیست باشد.

البته شما حق دارید که این برنامه را بنام برنامه حزب کمونیست قلمداد کنید و حتی بر مبنای آن حزب با صطلاح کمونیست خودتان را تشکیل دهید. اما

ملی کردن صنایع و موسسات بزرگ و کوچک تمرکز صنایع و مؤسسات به امری پیچیده تبدیل شده است. برنامه شما در زمینه دفاع از منافع پرورزوانی و امپریالیسم تا بدین حد پیش‌رفته است که از حد یک برنامه خرد پرورزوانی رادیکال نیز عقب ماند. صراحتاً آیا بدون معادرمولسی کردن سرمایه‌های بزرگ و مؤسسات و سرمایه‌های امپریالیستی میتوان مدعی کمترین مبارزه ضد امپریالیستی بود؟ چگونه است که در برنامه شما از معادرمولسی کردن سرمایه‌های متعلق به پرورزوانی ایران و انحصارات امپریالیستی هیچ صحبتی در میان نیست؟ آیا این است برنامه حزب کمونیست یا اینکه این برنامه از منافع پرورزوانی دفاع میکند؟ کلیت این برنامه نشان میدهد که صراحتاً پای آن از منافع پرورزوانی دفاع میکند. در زمینه اختلافات درونی جنبش کمونیستی جهانی نیز این دیدگاه شما بچشم می‌خورد. شما تا کنون حتی از انتشار یک اثر منسجم درباره انحرافات کشورهای سوسیالیستی و جنبش جهانی کمونیستی خودداری کرده‌اید، اما در برنامه‌تان احکام عجیب و غریبی صادر کردید. و بانفی کلیه کشورهای

مطمئن باشید که برخلاف ادعای شما این امر هیچ تأثیری بر جنبش نخواهد گذاشت. ما تا کنون از اینگونه برنامه‌ها و احزاب بسیار دیده‌ایم و یقیناً سرنوشت شما نیز چیزی در حد حزب کارگسران سوسیالیست، حزب رنجبران، حزب توده، غونا و امثالهم خواهد بود.

سوی برنامه بیائیم واقعیت نیروهای را که می‌خواهید بر اساس آنها حزب را تشکیل دهید در نظر بگیریم. سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران یک سازمان محلی است که ریشه عقیقه‌ساز دهقانی دارد و بدون اغراق ۹۵ درصد نیروهای آن نه مارکسیست، نه تروتسکیست بلکه ناسیونالیست کرد می‌باشند و اتحاد مبارزان نیز یک گروه محدود روشنفکری است که به جرات می‌توان گفت آنقدر فاقد پایگاه برای توده مردم ناشناخته است که حتی از هر صد کارگر آگاه ۱۰ نفر نمیدانند که اصلاً گروهی بنام اتحاد مبارزان وجود دارد یا نه؟ تکلیف حزبی که شما می‌خواهید تشکیل دهید از هم اکنون روشن است. در پایان -

اشاره به این مسئله نیز ضروری است که حتی دعوت شما از سازمانها و گروههای اساساً متضاد برای اظهار نظر در مورد

برنامه شما، بیان چیزی جز آشفتگی فکری شما نیست. شما خوب میدانید کسسه درای ژرف میان سازمان چریکهای فدائیان خلق ایران، راه کارگرو ۰۰۰ با امثال حزب رنجبران وجود دارد. اما شما از همه این سازمانها و گروهها میخواهید که نظرشان را راجع به برنامه شما ارائه دهند. این امر بیانگر چیزی جز سرکردانی شما نیست.

ما پاسخ علی خود را بنامه شما به زودی با انتشار برنامه‌ای خواهیم داد، که هم اکنون طرح آن آماده انتشار - بیرونی شده است. ما این طرح برنامه را پیش از تصویب علناً در سطح جنبش به بحث خواهیم گذارد تا تمام سازمانها و گروهها نظر خود را بهرامون بند بند آن ارائه دهند، و یقین داریم که چنین برنامه‌ای میتواند شایستگی نام برنامه حزب کمونیست را داشته باشد و نه آنچه که شما تحت عنوان برنامه حزب کمونیست منتشر کرده‌اید.

کمیته مرکزی سازمان چریکهای فدائیان خلق ایران

۶۱/۲/۱

نقل از کار ۱۶۹



اطلاعیه کمیته سازماندهی

هسته های مخفی، مقاومت سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

پس از حمله موشکی رژیم جنایتکار اجساد خونین عزیزانشان می گریستند
مراق به شهر دزفول در اوایل اردیبهشت در حالیکه با فجه و زاری اجساد پسی
و بجای گذاردن بیش از دویست کشته و مجروح و دهها خانه ویران، دزفول
چهره دیگری به خود گرفت، خشم فرو
گرفته تودمهای زجر دیده دزفول در عرض
چهار سال جنگ ارتجاعی، ناکهان چون
گردبادی خروشان، بر طبعه رژیم پهرکست
در آمد. در این روز تودمها آنها را که
در این مدت از ترس سرکوب و خفقان
قرون وسطائی رژیم آشکارا جرات بهمانش
را نداشتند، بیان کردند، از دست
دادن جگر گوشه هاییشان به خاطر هیچ
و هیچ، از دست دادن شوه سالها
زحمت و رنج به خاطر اینکه رژیم تبهیست
نظام سرماییداری را بر اجساد خونین
و ویرانهها جشن بگیرد رنج و مصائب
سال جنگ و آوارگی فقر و فلاکت، ستم
و استعمار، خفقان و سرکوب، بالاخره
تودمهای زحمتکش دزفول را به حرکت در
آورد و این نتیجه محتوم سیاستهای
ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی است
نتیجه محتوم ادامه جنگ ارتجاعی است
در این روز تودمها در حالیکه پسر

اجساد خونین عزیزانشان می گریستند
در حالیکه با فجه و زاری اجساد پسی
جان و نیمه جان نزد یگان خود را از زیر
آوارها بیرون می آوردند فریاد میکشیدند
و "خمینی" خون آشام را به محاکمه میکشیدند
زنی فریاد میزد: "این خمینی کو، چرا
نمی آید، نتیجه جنایتهایش را ببیند چرا
نمی آید؟" زن دیگری فجه میزد: "جز
جگر بگیری خمینی، پس این صدام پیشرف
چرا نمی ره جماران را به باران کنه" از
گوشه و کنار شهر صدای اعتراض گرچه به
صورت فردی پرخاشته بود، رژیم کاسان
و خبرنگاران خود را جهت تهیه کس
و خبر و تهیه گزارشات تلویزیونی بسرای
تبلیغ و نه نفع خود به محل فرستاده بود
ولی هیچ کس حاضر به مصاحبه نشد
چند تن از حاضرین که عداوت مسن بودند
به کاسان و فیلمبرداران حمله کرده
تعدادی از وسایل آنان را شلستند
رژیم که وضع را چنین دید حال وسزد و ران
خود را از اندیشه و دزفول و ...
روانه محل کرد تا جهت فیلمبرداری
شمار "جنگ جنگ" تا پیروزی را پیر
دهند، مردم داغ دیده و ستم کشیده

د زفول با چشمانی خونبار و دلی آکنده از کینه و نفرت به این مزدوران میگریستند. ناطق خیری وزیر کشور و عدای از مقامات که جهت سوءاستفاده و تبلیغات به شهر وارد شدند با پرتاب سنگ و پاره آجر از طرف مردم مواجه شدند در نتیجه فرار را بر قرار ترجیح دادند. رژیم متوحش از این حرکت ناگهانی مردم حزب اللهی‌ها را روانه صحنه کرد تا با شماره "جنگ جنگ" به سرکوب مردم بپردازد. مردم با این عناصر مزدور درگیر شده که بدنیال آن سپاه وارد صحنه گردید و بسیاری از توده‌ها را چه در خیابانها و چه در منازل دستگیر نمود. مردم در این حرکت با شعار "مرگ بر خمینی" و "مرکب جنگ به ضدیت آشکار با رژیم و سیاست جنگی اش بپردازد" اختند.

خبر حرکت ضد جنگ مردم د زفول به سرعت در تمامی شهرهای خوزستان پیچید و رشد اعتراضات مردم را در این شهرها بر علیه جنگ و رژیم دامن زد است.

مردم آگاه و مبارز ایران؛
با حمایت خود از مبارزات برحق مردم د زفول و شهرهای جنگزده -

خوزستان احساس همدردی خود را نسبت به مصائبی که این مردم متحمل شده اند ابراز دارند. فجایع جنگ که چه دامن مردم زحمتکش خوزستان و شهرهای جنگزده را بیشتر گرفتار است ولی واقصیتها نشان میدهد که همه مردم ایران گرفتار مصائب جنگ هستند. اینهمه جوان که در جبهه‌های جنگ کشته و یا معلول و یا دیوانه میشوند، گرانی، بیماری، رکود اقتصادی روز افزون، احتکار، قاچاق، فساد اخلاق بیماری و سرکوب و خفقان همه مصائبی هستند که از قبل جنگ، حیات مردم زحمتکش را تهدید میکند و رژیم جمهوری اسلامی بدون تکیه به چنین جنگی قدرت ادامه حیات نخواهد داشت اگر آن زن داغ‌دیده د زفول از روی درماندگی فریاد برمی‌آورد که؟ ایمن

صدام بی‌شرف چرا نمی‌ره جماران را بمباران کنه" این وظیفه نیروهای آگاه و انقلابی و پیشرو است که باید به او و هزاران مادری که فرزندان شان در جبهه‌های جنگ و در جوخ‌های اعدام رژیم و در زیر شکنجه‌های وحشیانه به قتل میرسند بگویند که بمباران جماران و کشتن خمینی به تنهایی چاره‌گسار

اطلاعیه کمیته سازماندهی

نیست بلکه تنها راه چاره زحمتکشان انقلاب است باید به آنان بگوئیم که برای رهایی از چنگال جنگ ارتجاعی و رژیم جمهوری اسلامی که پیشبرنده این جنگ است می بایست برای سرنگونی رژیم با برپائی یک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه تنها خیزم رفقسا و هواداران :

شعارهای ضد جنگ را وسیعاً به میان تودمهای کارگر و زحمتکش ببرید می بایست با ساختن شعارهای مناسب و تودکیر و انقلابی مبتنی بر خط سازمان جو ضد جنگ را در میان مردم زحمتکش و بخصوص کارگران گسترش دهید و اخبار جنگ را وسیعاً در بین مردم پخش کنید رابطه تدوم جنگ را بسا سیاستهای رژیم هر چه بیشتر برای تودمها و بخصوص کارگران توضیح دهید با تشکیل کمیتههای مخفی اعتصاب در کارخانجات و هستههای مخفی مقاومت در ادارات مدارس محلات و

کوشش کنید شعار " انقلاب، انقلاب "

چاره زحمتکشان را در مقابل شعار " جنگ، جنگ " تا بهرزی رژیم قسار - دهید و بالاخره رفق مردم را حول شعارهای ضد جنگ برای سرنگونی رژیم در کمیتههای مخفی اعتصاب و هسته های مخفی مقاومت متشکل نمائید در و دیوار تمام فضای شهرها را از شعارهای ضد جنگ پر نمائید بدون يك تلاش پیگیر و همه جانبه بر علیه جنگ ارتجاعی بدون برقراری جمهوری دموکراتیک خلق، امکان برقراری صلحی دموکراتیک غیر ممکن است .

از جنگ ارتجاعی زحمتکشان بیزارند و دو میلیون آواره نان مسکن ندارند جنگ، جنگ شعار سرمایه داری انقلاب، انقلاب چاره زحمتکشان مرکز هر رژیم جمهوری اسلامی برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق کمیته سازماندهی هسته های مخفی مقاومت

۱۳/۳/۸۸



کردستان، سرزمین زندگی و مبارزه

شده است. هر چادر خانواده -
آوارهای را در خود جای داد است.
آوارها، روستاییانی هستند که سرخ
و خروس و بوقلمون و خانه و کاشانه خود
را رها کرده و برای فرار از زیر تسوپ و
خمپاره خمینی به اینجا پناه آورد اند.
با چند دسته از آنها همسایه بودیم و
همسفر.

گوئی همین دیروز بود. چند روزی
بیشتر نگذشته است. ساعت حدود ۵
صبح بود که صدای مهیبی از خسواب
بیدارمان کرد. دیوارهای اطاق -
میلرزید و پنجره ها به هم میخورد. به
سرعت برخاستیم، خشاها و خمالها
را بستیم، سلاها را به دست گرفتیم و از
اطاق خارج شدیم. فریاد و خمپاره
فضای روستا را پر کرده بود. همه جسا
را دود و غبار فرا گرفته بود. خانه ها
در هم می ریخت و آوار خاک به هوا بلند
میشد. مردم وحشت زده از خانه بیرون
می آمدند و پشت دیوارها پناهی می جستند.

نزد يك غروب است. خورشید از
لابلای کوه های بلند آهسته پائین
میرود. گدازهای سرسبز از دور -
دست همچون دریای خروشان موج
میزند. همه جا سبز است، سبز میسر.
انواع گل های رنگارنگ همانند ستاره ها
از میان سبزه ها سوسو میزنند. گل سب
گاو های مست با گلهای سنگین از چرای
روزانه به سمت آغول ها می آیند. نعره
پر طنینشان در افاق می پیچد و شوریدگی
هستی را اعلام میدند. پائین دست ما
روی سینه کوه اسب های کهر شبیه زن
پا می کوبند و به کره های وحشی حشود
درس زندگی می آموزند! کمی دورتر در
دانه دره بره های کوچولو کنار مادرانشان
جست و خیز میکنند یکی از بره ها خود را
به مادرش چسباند و خیره خیره او را
نگاه میکند. کوئی مادرش بهترین کوسفند
دنیاست! سمت چپ چراگاه چنبد
ردیف چادر، منظم کنار یکدیگر قطار

کردستان، کردستان پاینده باد عزمت بیروز باد روزمت

نگاهها کینه توزانه و چشمها پر از تنفر بود. اما صدائی از کسی در نمی آمد فقط بچه ها بودند که آرام و مبهوت در بغل مادرانشان می گریستند. کوشی همه عادت کرده بودند همه انتظار چنین صحنه هایی را داشتند. چهار سال توپ و خمپاره و بمب تجارب زیادی به آنها آموخته است. چهار سال آوارگی و درگیری آنها را سخت و مقاوم کرده است. هنوز مسیر توپها مشخص نشده بود. ارتش و پاسداران ارتجاع از پشت کوه های دور دست روستا راه پشته گرفته بودند. طولی نکشید که مسیر عقب نشینی مشخص شد. مردم آبادی به همراه گاوها و گوسفندان به سمت مسیر عقب نشینی هدایت شدند.

رنجبری طولانی از کودک و پسرزن و پیر مرد در پناه دره ادامه داشت که پسوی قتل می نامملم کوچ می کرد در جهت مقابل از پلندای صخره ها پیشرفگان قهرمان به سوی اردوگاه دشمن یورش آورده بودند. عدای از میان آبادی اسلحه بدست می برد و دشمنان از صخره ها بالا می رفتند تا به هفت مزدوران خمینی آتشش بکشایند. زنها تدارکات

پشت جیبها را آماده میکردند و پسران خرد سال آب و آذوقه می آوردند. عده ای برای کمک به زخمی ها به سوی خانه ها می شتافتند، در همه خانه ها باز بودند. دیگهای ماست هنوز سرد نشده بود. ظرفهای شیر روی چراغها می جوشید و نان تازه پخته توی تنورهای داغ جزغاله شده بود. خروسها می خواندند و بوقلمونها با جوجه ها پشله به علفهای سبز نوک میزدند، کوشی هیچ اتفاقی نیفتاده است. براستی که جنگ طبقاتی چه عالمی دارد. آنها که تا دیروز به زندگی فقیرانه خود سفت چسبیده بودند، چه راحت از آن دل می کنند. این بزرگترین و ارزشمندترین درس این جنگ بود.

و امروز وقتی به چادرهای این مردم زجر کشیده آواره نگاه می کنیم، می بینیم که این دستان توانمند چه معجزه گر است. در اطراف چادرها دیوارهای خشت و گل بالا میرود دیگهای شیر می جوشد، بچه ها شادی می کنند و خروسها می خوانند.

واقعاً که انگلس چه زیبا می نویسد: "مردم وقتی مقاومت نشان میدهند احتمالاً شکست هم می خورند، ولی"

برخی از رویدادهای خرداد ماه

برسینه ات نشست
زخم کاری دشمن
ای مرو ایستاده
این رسم توست
که ایستاده بمیری

یاد
رفیقان
گرای باد



- ۲ خرداد : شهدا در تهرانه پیمان
- ۳ خرداد : قتل نژاد ، پیروز ، ری و آذاری
- ۷ خرداد : شهدا در تهرانه گون
- ۸ خرداد : سرکوب و حشمانه خلق
- ۹ خرداد : (در خوزستان)
- ۱۰ خرداد : قیام مسلحانه کرمان
- ۱۵ : واقعه خونین سال ۱۱
- ۱۱ : حمله حشمانه اسرائیل
- ۱۲ : اردوگاههای فلسطینی در لبنان
- سال ۱۳۶۱
- ۱۶ خرداد : آغاز مبارزه مسلحانه چپ‌ها
- ۱۷ خرداد : خلق برای آزادی
- ۲۳ خرداد : اعتصاب کارگران کوم
- ۲۴ خرداد : ۱۳۲۲
- ۲۶ خرداد : تولد رفیق : اوستوده
- کسوار
- ۳۰ خرداد : تظاهرات خونی مردم
- تهران (شبه سرخ)
- ۳۱ خرداد : شهدا در تهرانه خلق
- سعيد سلطان پور

انتقام را تقویت میکند، بکنه‌ها را می‌افزاید
و موج خشم انقلابی را سرریز می‌کند.
کافی است تا با یک روستائی گرد چند
کلمه صحبت کنیم، یکی از چادرهای
این مردم آواره سری پزیم تپا بسه
این رازی ببریم، تا بفهمیم چرا مبارزه
تاریخی توده‌ها شکست ناپذیر است.

کارگران و زحمتکشان

متحد شوید

۱۳ خرداد ۱۳۰۰۰ از صفحه ۲۲

خلق قهرمان کرد، نیروهای عظیم انقلاب
را علیه رژیم جمهوری اسلامی سازمان
دهد و پیروزی انقلاب را متحقق سازد.
هیچ نیروئی را در برابر چنین قدرتی
پارای پایداری نخواهد بود. چنین
قدرتی را قطعاً و هرگز بصورت مصنوعی
و به میل مجاهدین و سایر مؤسسان
"شورای ملی مقاومت" نمی‌توان پنا کرد.
این فقط در صورتی میسر است که
انقلاب موجود سراسر ایران را فرا بگیرد
و شور قیام همگانی شود.

کردستان ۱۹۰۰۰ از صفحه ۱۹

شکست افتخار آمیز می‌خورند و از پی
خود آرزوی انتقام را در اندیشه‌های
باز ماندگان باقی می‌گذارند، آرزویی
که در دوران انقلابی، طالبین عامل
الهام بخش فعالیت پر شور و نیرومند
می‌باشد. و ما امروز در دوران
انقلابی کنونی شاهد "فعالیت پر شور
و نیرومند" خلق ستکشی هستیم که
تجارب مقاومتها و شکستهای فراوانی را
پشت سر گذاشته است. خلقی که
امروز می‌رود تا سرنوشت خویش را بدست
گیرد و پیروزیهای جدیدی را تجربه
کند.

امروز سرزمین آزاد کردستان قهرمان
ده‌به‌ده، سنگر به سنگر و خانه به‌خانه
زیر پوش و حشانه ارگانهای سرکوبگر
رژیم خمینی و سخت‌ترین آتشبارهای
سنگین مزدوران سرمایه قرار گرفته
است. اما هر روستا که منهدم میشود
هر خانهای که ویران میگردد و هر
خانوادهای که مراد ارمیشود آرزوی

حق ملی در تعیین سرنوشت خویش حق مسلم آنهاست

سبک کارگرمال....

حال تصور کنید وضعیت "حزب کمونیستی" را که بخواهد با بخشی از تولید کنندگان خرد و نیروهای دهقان آنهم از نوع منطقه‌ای و محدود آن برپا گردد. و تازه مدعی باشد که میتواند ادامکاری خود را حفظ کند.

قطعا وقتی مارکس بر انگلس ۱۲۰ پیش در مانیفست کمونیست نوشتند:

"کمونیستها در مراحل گوناگون که مبارزه پرولتاریا و بورژوازی را طبعی می‌کنند، آنان همیشه نمایندگانشان مصالح و منافع تمام جنبش هستند" مسلما منظورشان این نبوده است که این "تمام جنبش" آنقدر محدود شود آنقدر شکل انتزاعی پیدا کند که خود طبقه کارگر را از صحنه حذف کند.

برای آنکه با درک پرولیتسی "کومله" در سطوح تفویک آن بیشتر آشنا شویم، لازم است نظری کوتاه به مآلای در همین باره که از طوسی ف کانون با اصطلاح تفویک این جریان انتشار یافته است بیاوریم.

ادامه دارد

۳. خرداد... در منماه ۲۳

ردایی که آنها به تشان پوشاند نامند باز نمی‌شناسند. آنها هنوز نمی‌خواهند بدانند که تودها دیگر هیچگاه سه سر نوشت خود را بدست امثال بنی‌صدرها نخواهند داد. هم اکنون پار دیکسر احتسابات وسیع کارگری شدت گرفته است روز مبارزه عظیم تودهای توده است. طبقه کارگر اینبار باید خود را برای رهبری قیام آینده آماده نماید. پرولتاریا رسالت تاریخی خود را دریافت است. پرولتاریا آموخته است که چگونه باید مبارزه طبقه ارتجاع خمینی را با مبارزه طبقه سرمایه‌داری تلفیق نماید و چگونه دیکراسی خرده بورژوازی را بخود ملحق سازد. دیگر وظیفه دیکراسی کارگری است که دیکراسیهای خرده بورژوا را از زیر نفوذ لیبرالها برهاند آنها را از هرگونه هراس و تزلزل نجات دهد و انقلاب را به سرانجام واقعی اش برساند. این بار طبقه کارگر ایران پیشاپیش همه نیروهای انقلاب میتواند و باید ارتش عظیمی از نیروهای اختصاصی کننده میهنی تشکیل دهد و هم‌وشر هم پیوند با جنبشهای انقلابی خلقهای ایران و مردم پر همه

۳۰ خرداد ۱۳۶۲

از صفحه ۲۵

چشم گرفت بود.

آن زمان هنگامیکه سازمان ما برنامه مجاهدین را بعنوان برنامه‌ای پسرخواه و فریب‌مغنی و برنامه‌ای عقب‌مانده و متروک و کهنه تر از اهداف و خواسته‌های دموکراتیک بود معای مردم مورد انتقاد قرار داد و اختلاف آنها را با پسرخواهی لیبرال معلوم کرد و چه ناسزاهای تنیدی گسده بر زبان‌ها رانده نشد و چه موعظه‌های آتشینی که طایفه سازمان چریک‌های فدائیان خلق ایران توسط نشریات و رادیو و مجاهدین و متحدین آنها همانند حزب دموکرات گردستان صورت نگرفت.

اکنون دو سال از این تاریخ می‌گذرد. هم سازمان مجاهدین و هم حزب دموکرات باید بخود ببینند. باید از این شکست‌ها درس بگیرند. باید بدانند که دیگر از انقلاب‌های امثال "شورای ملی مارت" کاری ساخته نیست و نمی‌توانست باشد. اما مسافران پاشان‌های مجد انور و بوجان مجاهدین نشان می‌دهد که آنها هنوز هم نسبت به درصهای آموزنده‌ای که در این شکست‌ها تکرار شد بی‌توانند. در مصالحتی که پاره‌ها و پاره‌ها در قلمی

جنبش‌های انقلابی جهان تکرار شده بود. آنها هنوز در نیافتادگی کسبه تا چه اندازه نسبت به خود ها تعصب هستند. آنها هنوز درک نکردند که اهداف و برنامه‌هایشان تا چه اندازه برای خود بها گشته و بی‌محتوا آنها هنوز هم نیاموخته‌اند آنچه را که خود ها در زندگی علی‌خوبی آموخته‌اند، آنها هنوز نمیدانند که مردم تجربیات تلخ تاریخی را هیچگاه برای بار دوم تکرار نمیکنند. مجاهدین چشمان خود را در مقابل این واقعیت بسته‌اند که خود معای مردم یکبار برای همیشه حکومت‌های از نوع "اسلامی" و ولایت فقیه خمینی تجربه کرده‌اند و دیگر هیچگاه فریب هیچ حکومتی از نوع "اسلام" مجاهدین را نمی‌خورند! مجاهدین هنوز نفهمیده‌اند که چرا "شورای ملی مقاومت" با وجود اعتراضات وسیع و گسترده خود های از حمایت‌های مردم برخوردار نشد و نه "آلترناتیو انقلابی" آنها را باز نکرد. مجاهدین هنوز هم تصور میکنند کارگران انقلابی و خود معای زحمتکش ایران گذشته‌ها را فراموش کرده‌اند و معای با قسطنطنیه‌ها را از و رای

۳ خرداد ماه ۱۳۶۲ از مندا ۲۶

این تجربیات نشان داد که دموکراسی
خرد می‌رود و ثباتی دیگر مقبولیت بود های خود
را از دست داده است. توده ها در
صل دریافتند که دموکراسی خرد شده،
پروژه های قادر نیست چهارچوب سرمایه
داری را بشکند و پردگی مزدوری را از
میان بردارد.

تجربیات این سالها به توده های
زحمتکش همین ما این درس را داد
است که تفاوت های اساسی بین گرایش
آزاد پخواهانه این یا آن طبقه اجتماعی
را درک کنند و بدانند فماید کسان
سیاسی هر طبقه اجتماعی آزاد پهای
سیاسی را متناسب با اهداف و نیایلات
خودش چگونه تفسیر میکنند. آنها در
صل آموخته اند که آزاد پخواهی امثال
بنی صدر، آزادی ای رشد مناسبات
سرمایه داری است، آزادی برای مپار
کردن انقلاب است، آزادی برای فریب
توده هاست. آنها هیچگاه فراموش
نکردند که وقتی بنی صدر بد رترسید
خلع سلاح عمومی خلق را بعنوان

اصلی ترین وظیفه حکومت تلقی کرد و
سرکوب خلق قهرمان کرد، خلق ترکمن
صحرا، عرب و بلوچ و ... را زیر همین
شعار آواز کرده آنها فراموش نکردند
آن زمانی را که بنی صدر در رأس -
حاکمیت بود و بعنوان اولین مقام حکومتی
آشکارا اعلام کرد "شورا بی شورا" و
برای انهدام همین شورا، یعنی
انهدام ارگانهای قدرت توده های
انهدام شورا های مقاومت انقلابی
انهدام شورا های انقلابی کارگران
پرسنل انقلابی، دانشجوان، دانش
آموزان، کارمندان و ... کم "هست"
پست! همین مردم هرگز فراموش
نمیکنند که مجاهدین خلق عقد اتحاد
با نیروهای پستند و شخصیتی را به
عنوان رئیس جمهور قانونی کشور از سوی
"شورای ملی مقاومت" برگزیدند که
وقتی بساط استبداد را بر سنگسرش
خونین گ انگاه گسترده، استقرار
حاکمیت را با انهدام "مقاومت" پس
افکند. همگان شاهد بودند که بنیان
گذار "شورای مقاومت" "نتیج یان حاکمیت نیر"
و با درهم شکستن "شورای مقاومت" و رانش
در مندا ۲۴

هر چه گسترده تر یاد اتحاد عمل نیروهای مترقی و انقلابی

ترویسم عریان بر کل جامعه حاکم گشت
و یورش وحشیانه رژیم به صفوف انقلاب و
اعدامهای چنونی کمیز انقلابیون در -
سراسر کشور فزونی گشت. نتیجه تیمسی
این یورش لجام کسیخته جوشیده اختلافی
و عقب تشینی موقتی بود و ها از مرصه
مبارزه فعال بوده که مدت محدودی -
شرایط رکود و خمود را بر جامعه حاکم
گردانید.

امروز همه تلاشهای مجاهدین همه
شکست انجامیده است. تاکتیکهای
پلانکیستی آنان به سفک نشست و شگرد -
های دیپلماتیک بیک امر غیر جدی مبدل
شده است. شکستی که لاقیل برای -
خود مجاهدین باید تجارب بسیار
بر جای گذاشته باشد.

آری تجربیات بعد از ۲۰ خرداد
نشان داد که دیگر جایی برای توهسم
و توهم رانی در کشور ما باقی نمانده
است. دیگر نه تنها بهرژوازی بظاهر
"دمکرات" بلکه حتی نمایندگان سیاسی
خرد بهرژوازی نیز قادر نیستند بسا
دست گذاشتن بر خواستهای محققانه
و آزاد بخواهانه تودمها و سوار شدن،
بر موج اعتراضات انقلابی مردم، انقلاب
را از مسیر واقعی خویش منحرف سازند.

بهرولتاریای انقلابی و تودمهای زحمتکش
دست در دست بهرژوازی گذاشت پس
بهشتیانی از ارتش آریامهری دل پست
و برای سرنگونی حکومت خمینی به انواع
تاکتیکهای توطئه گرانه متوسل شدند.
مجاهدین بخمال خویش میخواست بر
بستر ناراضی تودمهای، اما در غیاب
آنها و در غیاب رهبری پیکر بهرولتاری
قدرت را بدست گیرد و در مشارکت بسا
بهرژوازی بحکومت برسد. از این پس
همه تلاشهای مجاهدین در این راستا
قرار داشت و همه شگردهای دیپلماتیک
پنهان و آشکار آنها چه در سطح
داخلی و چه در سطح بین المللی در
این هدف خلاصه میشد.

اما بهرژوازی هشیارتر از آن بود که
"رجوی" را به "خمینی" ترجیح دهد.
بهرژوازی همانگونه که در طول تاریخ -
نشان داده بود، اینبار نیز تلاش کرد
از سازشکاری و ترلزلات خرد بهرژوازی
برای حصول به اهداف و نیات خود پلانه
خویش سود جوید و با ترفیب و تشویق
مجاهدین به قیام زود رس، قلع و قمع
های انقلاب را در سطح سراسری
و بسیار گسترده آن متعقی سازد.
از این پس سرکوب لجام کسیخته و

۳۰ خرداد، تجربه توده ها

از صفحه ۲۸

بود. هنوز شرایط قیام نرسیده بود و
خلاره هری پرولتری با خیانت آشکار -
رهبران بزدل و خیانتکار دار و دسته
اکثریت که منجر به هزار رفتن نیروی
وسیمی از سازمان ما شده است -
پشت احسان می شد. طبیعی
است که با تضعیف شدن و تحلیل رفتن
مقطعی نیروی عظیم سازمان چریک های
فدائی خلق ایران بعنوان یگانه سازمان
پرولتری و وسیعترین و تعیین کنندترین
نیروی پیگیر انقلابی، توازن قسوی
طبقاتی به نفع رژیم اسلامی تغییر کرد و
حادثه فتنه انقلابی خمینی که از پند و
قیام بهمن تمام ارکانهای سرکوب
بورژوازی را سازماندهی کرده است -
فشارگی و انسجام بیشتری نسبت به
نیروهای انقلاب پر خورده شده و آمادگی
لازم برای علیات جنگی وسیعی را بدست
آورده بود. درست در چنین شرایطی
سازمان مجاهدین خلق که گویا میدان
مبارزه را "بی رقیب" میدید با شتابزدگی
خاص خرد مبرورانی دست به کار قیام شد
و افراد در دستور کار خویش قرار داد
سازمان مجاهدین بجای اتکاء به

باید وضعیت شرایطی را که منجر باین
وقایع شد مورد بررسی قرار دهیم.
حادثه ۳۰ خرداد در شرایطی
صورت گرفت که بحران اقتصادی -
سیاستی ابعاد وسیعی
پیدا کرده بود. فقر و فلاکت شدیدا
پر شد نهاده بود و تضادهای درونی
حاکمیت در نقطه اوج خود قرار داشت.
شرایطی که در آن توهمات تودهای فرو
می ریخت، امدها و اوهمات خرافی در
هم می شکست و خشم و نفرت نسبت به
رژیم خمینی تشدید میشد. جنبش
انقلابی تودهای با نیروی عظیم پیش
میرفت و اعتراضات و اعتراضات محدود
منطقهای اشکال طالبی از مبارزات انقلابی
را طلب میکرد. اعتراضات کارگری شدیدا
رونق گسترش پیدا کرده و در موارد بسیاری
اشکال قهرآمیز پیدا گرفته بود.

با این همه هنوز راه طولانی در
پیش بود. هنوز مبارزات تودهای ابعاد
سراسری پیدا نکرده و هنوز آمادگی
قیام بعنوان طالبیترین شکل مبارزه تودهای
حتی در پیشرودترین نیروهای کارگری و
زحمتکشترین اقشار خلق فراهم نشده

۳۰ خرداد، و تجربه توده ها

برای اینکه قیام موفقیت آمیز باشد باید به توپکه و یا حزب متکی نکرد بلکه به طبقه پیشرو تکیه نمود. این اولاً، قیام باید به مشور انقلابی مردم متکی باشد. این ثانیاً، قیام باید همانچنان نقطه تحولی در تاریخ انقلاب فرازند و متکی باشد که در آن فعالیت دستهای پیشرو مردم به حد اکثر خود رسیده باشد و تزلزل صفوف دشمن و صفوف دوستان ضعیف و دودل و متزلزل انقلاب از هروقت شدیدی تسریع باشد. این هم ثالثاً. این سه شرط لازم طرح مسئله قیام، مارکسیسم را از پلانکسیسم متمایز میسازد.

لینن

دو سال از رویداد ۳۰ خرداد میگذرد
۱۰ خرداد ۱۳۶۰ نقطه عطفی دیگر
در تاریخ مبارزات صیبن ماسته قبل از
آنکه به نتایج این رویداد بپردازیم
نیمه در صفحه ۲۷

تاج محمد جیسو رانه به پایگاه گله لی نان

ساعت ۱۵ بعد از ظهر روز ۱۳/۳/۶۰ یک
دستمان به مرگان قهرمان فدائی بمنظور
شناسائی محل استقرار دشمن واقع در
توسعه به روستای گله لی نان در ۲۰۰
متری پایگاه یکمین مرد وران نشستند
نیم ساعت بعد تعداد ۱۰۰ زبانه اوان خو
آهسته فافل از حضور پیشمرگان همیشه
قهرمان فدائی از جوارهای خود بجهت
خنجره و ویای تکیه سنگرهای خود
مشغول بنظر میسوسند. جان پرکشان
فدائی با تیار مسلسلهای خود و تریاد
های ترک پر خینی وزنده باد فدائی
در صفحه ۲۷

برنامه عمل

سازمان پریمیهای

فدایی علیه استبداد و

استبداد

تاریخ ۸ خرداد

شماره ۱۶۸